

اقسام بهره‌وری از حیوانات در آیات قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۸)

صدیقه ملک‌لو^(*)

چکیده

حیوانات از شگفتی‌های جهان آفرینش هستند که خداوند، انسانها را به تأمل در آفرینش و استفاده از منافع آن‌ها قرار داده، فراموشی‌خواند. بهره‌وری از حیوانات در آیات قرآن بر دو گونه مادی و معنوی است. استفاده از پوست و پشم حیوانات در تهیه البسه، اثاث منزل و خیمه، و استفاده از شیر و گوشت آن‌ها برای تغذیه، بهره‌برداری از فضولات آن‌ها برای بارور کردن زمین، استفاده از قدرت بدنی آن‌ها برای سواری، شخم و حمل و نقل و استفاده‌های دارویی از مهم‌ترین بهره‌های مادی حیوانات است که در قرآن بدان اشاره شده است. از سوی دیگر خداشناسی، اثبات امکان معاد، استفاده در سوگندها، تشبیهات و ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های قرآنی، آزمایش انبیاء و مردم، توصیف احوال قیامت و انجام مأموریت‌های الهی از جمله بهره‌های معنوی حیوانات است که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حیوانات، بهره‌وری مادی، بهره‌وری معنوی.

مقدمه

انسان شریف‌ترین موجودی است که خداوند در عالم خلق کرده و پس از آفرینش، تمام هستی را در خدمت او قرار داده است تا با بهره‌گیری از این نعمات، مسیر تکامل و سعادت را طی کند. از جمله این نعمات حیوانات اهلی است که زندگی ما با آن‌ها عجین شده است. اگر این موجودات از صفحه زندگی انسان حذف شوند، به راستی کار

* دانشجوی دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس؛

برای انسان مشکل خواهد شد. حیوانات از جمله مخلوقات الهی هستند که در آیات قرآن کریم، فراوان از آن‌ها یاد شده است؛ به طوری که حتی برخی از سوره‌های قرآن نیز به نام آن‌ها نام‌گذاری شده است. زندگی حیوانات و منافعی که خداوند در آن‌ها برای استفاده‌های مادی و معنوی انسان قرار داده، مایهٔ عبرت و درس‌آموزی است؛ زیرا به ما می‌فهماند که هیچ چیزی بیهوده آفریده نشده و حکمتی در پی دارد و نباید به سادگی از کنار آن‌ها گذشت و باید خدا را به خاطر نعمات بی‌شماری که به ما عطا کرده است، سپاس‌گزار باشیم و در عمل از حیوانات، که همیشه تسبیح خدا را می‌گویند، کمتر نباشیم. تا کنون در زمینه فواید و آثار حیوانات در زندگی انسان‌ها از دیدگاه قرآن کریم، در خلال تفاسیر و در ذیل آیات مربوط، مباحث و مطالب مختلفی گرد آمده است، اما اثری جداگانه که به بیان استفاده‌های متفاوت از این مخلوقات چه در زمینهٔ مادی و چه معنوی باشد، تألیف نشده است. این مقاله درصدد است تا با پاسخ‌گویی به سؤالات زیر، موضوع بهره‌وری از حیوانات را از دیدگاه قرآن تبیین کند:

- از دیدگاه قرآن کریم، هدف از خلقت حیوانات چیست؟

- از دیدگاه قرآن، بهره‌وری از حیوانات به چند نوع تقسیم می‌شود و کارکردهای

این تقسیم‌بندی چیست؟

بحث و بررسی

۱- کلیات

بهره‌وری نخستین و مهم‌ترین موضوعی است که بشر، در برخورد با طبیعت، صرف‌نظر از جاندار یا بی‌جان بودن آن، با آن روبه‌رو است. این موضوع در اندیشه و رفتار انسان از چنان جایگاهی برخوردار است که قرآن نیز آن را در سطوح خرد و کلان پذیرفته و نخست در بیانی کلی، بهره‌وری انسان از طبیعت را این‌چنین مطرح ساخته است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (بقره/۲۹)^(۱) سپس با خرد کردن آن به نسبت میان انسان و حیوانات اشاره کرده و فرموده است: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل/۵)^(۲) (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۱) هرچند این دو اصل بر آفرینش هدفمند هستی و موجودات آن برای انسان دلالت دارند، اما برای تبیین رابطه میان انسان و حیوان، با چند مسئلهٔ مهم و اساسی دیگر روبه‌رو هستیم:

۱. او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

۲. و چهارپایان را آفرید در حالی که در آن‌ها، برای شما وسیله پوشش و منافع دیگری است و از گوشت آن‌ها می‌خورید.

۱-۱- آفرینش حیوانات برای انسان

فهم آفرینش موجودات برای انسان مبتنی بر این است که روشن شود واژه «لکم» در آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» به چه معنا به کار رفته است. در مفهوم‌شناسی واژه «لکم» که در منابع مختلف اسلامی مورد بحث قرار گرفته، دو احتمال مطرح شده است:

۱- بهره‌وری (انتفاع): منظور از آفرینش سایر موجودات برای انسان، از جمله حیوانات، سود بردن از آنهاست.

۲- پندگیری: آفرینش سایر موجودات برای انسان به مفهوم عبرت گرفتن از آنهاست تا از رهگذر آن به شناخت بیشتر و بالاتری از خداوند دست یابد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱، ۲۵۲) نسبت این دو احتمال عام و خاص مطلق است؛ زیرا بهره‌وری مفهومی است عام که دو حوزه دینی و دنیوی را دربرمی‌گیرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که منظور از آفرینش موجودات، به ویژه حیوانات برای انسان، بهره‌وری و استفاده انسان است که البته در خلال آن پند گرفتن نیز تحقق پیدا خواهد کرد (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۳)

۱-۲- حدود بهره‌وری از حیوانات

با توجه به کاربست دو واژه «ما» و «جمیعاً» در آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» چنین برداشت می‌شود که انسان مجاز است از تمامی آنچه در زمین است، استفاده کند؛ زیرا از نظر قرآن همه آنچه در آسمان و زمین است، فرمان‌بردار و مسخر انسان است. بنابراین حق بهره‌وری انسان به گونه‌ای خاص از موجودات محدود نمی‌شود. (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۵) در منابع اسلامی دو نظریه در تعیین دامنه بهره‌وری انسان از موجودات وجود دارد:

۱-۲-۱- عدم محدودیت در بهره‌وری از حیوانات

برخی بر این باورند که نتیجه پذیرش آفرینش موجودات برای انسان، جواز بهره‌وری نامحدود انسان از آنهاست (اصل اباحه)؛ زیرا سود جستن خاص از برخی موجودات امری است که عقل انسان نیز بدون نیاز به این حکم شرعی، توانایی درک آن را دارد. در نتیجه انسان به حکم عقل و دین، حق دارد هرگونه که می‌خواهد از موجودات بی‌جان و جاندار طبیعت استفاده کند، مگر آن که دلیلی خاص بر عدم جواز نوعی خاص از بهره‌وری بیابیم. (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۷۳-۷۲)

۱-۲-۲- محدودیت در بهره‌وری از حیوانات

گروهی نیز معتقدند آفرینش موجودات برای انسان، تنها حکایت از وجود نوعی رابطه تکوینی میان انسان و سایر موجودات دارد که بر اساس آن، هدف از آفرینش موجودات، سود جستن انسان از آن‌هاست بدون آن‌که تعیین کند از نظر حقوقی یا اخلاقی چه نوع بهره‌وری جایز و رواست. پس نمی‌توان ادعا کرد که انسان حق دارد هرگونه که بخواهد از موجودات استفاده کند، بلکه می‌باید برای جواز بهره‌وری از هر موجود و چگونگی آن در پی دلیلی خاص باشیم. (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۶)

۱-۳-۱- اصول بهره‌وری مادی از حیوانات

بهره‌وری مادی انسان از حیوانات بر دو اصل اساسی استوار است:

۱-۳-۱- هماهنگی با ساختار وجودی

شکل و نوع بدن هر حیوانی بسته به محیطی که در آن زندگی می‌کند، به‌منظور تأمین هدفی خاص طراحی شده است. بنابراین انسان باید بهره‌وری از حیوانات را با آن هدف هماهنگ سازد. (ابن مرتضی، بی‌تا: ۳، ۲۵۶) این نکته را می‌توان در عبارت «ظلم‌گریزی و عدالت‌محوری» خلاصه کرد؛ زیرا منظور از عدل، قرار دادن هر چیز در جای خود است و ظلم در برابر آن، قرار ندادن هر چیز در جای خود. در نتیجه اگر استفاده انسان از حیوانات متناسب با هدف از خلقت آن‌ها باشد، کاری رواست؛ چراکه عدل است، و برعکس اگر این بهره‌وری متناسب با آن هدف نباشد، از آن جهت که ظلم است، عملی ناشایست و نامشروع است. (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۷) رعایت بهره‌وری و هماهنگی آن با ساختار وجودی حیوانات به خوبی در این سخن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) جلوه‌گر است:

مبادا پشت حیوانات را محلی برای گفتگو قرار دهید؛ زیرا خداوند بلندمرتبه آن‌ها را تحت فرمان شما درآورده است تا بتوانید به شهرهایی که جز به‌سختی نمی‌توانید به آن‌ها دست یابید، برسید. (سجستانی، بی‌تا: ۲، ۳۳۲، ۲۵۶۹)

بنابراین نه به بهانه اجتناب از اذیت حیوانات، می‌توان به گیاه‌خواری روی آورد و از گوشت آن‌ها پرهیز کرد؛ زیرا به فرموده امام صادق (علیه السلام) «گوشت، سرور طعام‌ها در دنیا و آخرت است.» (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۱۷، ۲) و در صورت امساک کلی

از آن، آفرینش آن بیهوده خواهد بود؛ و نه می‌توان به بهانه وجود رابطه مالکیت میان انسان و حیوان، آن‌گونه که برخی مدعی‌اند، خارج از ساختار وجودی حیوانات از آن‌ها استفاده کرد؛ زیرا نهایت چیزی که مالکیت اثبات می‌کند، داشتن حق بهره‌وری است، اما نسبت به چگونگی و نوع آن هیچ دلالتی ندارد.

۱-۳-۲- هماهنگی با حرمت الهی

از دیدگاه اسلام حیوانات نیز مانند انسان‌ها روحی غیرمادی دارند که به واسطه آن از نوعی هم‌زیستی همیشگی با انسان برخوردار هستند. هم‌زیستی که از دنیا آغاز شده و تا روز رستاخیز ادامه دارد. پذیرش بُعدی غیرمادی و ملکوتی برای حیوانات در نظام معرفتی اسلام، به دنبال خود، ارزش و جایگاهی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند که از آن به «حرمت روح» یا «حق الهی» یاد می‌شود. جایگاهی که بدون تردید در چگونگی بهره‌وری انسان از حیوانات مؤثر است. (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۷۸)

۲- انواع بهره‌وری از حیوانات در آیات قرآن کریم

در قرآن کریم نام ۳۹ حیوان با حدود ۶۳ تعبیر متعدد، به صورت اسم صریح یا کنایه آمده است که در برخی موارد در آیات مختلف از نام‌های مختلف یک حیوان یاد شده است. به طور کلی در ۵۲ سوره و بالغ بر ۱۵۴ آیه قرآن، از حیوانات یاد شده است؛ چنان‌که برخی سوره‌ها نیز به نام آن‌ها، نام‌گذاری شده است. بهره‌وری از حیوانات در قرآن را می‌توان به دو نوع بهره‌وری مادی و معنوی تقسیم کرد که هر کدام به نوبه خود، دارای زیرشاخه‌هایی هستند:

۲-۱- بهره‌وری‌های مادی

مهم‌ترین مصادیق ذکرشده بهره‌وری مادی از حیوانات در قرآن به شرح زیر است:

۲-۱-۱- استفاده از پشم، پوست، کرک و موی حیوانات

شاید در عصر و زمان ما استفاده‌هایی که از پشم و پوست حیوانات می‌شود بسیار کم باشد، اما در قرون گذشته تقریباً اکثر وسایل مورد نیاز زندگی از این طریق ساخته می‌شد. امروزه نیز بیشتر افراد کوچ‌نشین و ایلات و عشایر، هنوز ملزومات زندگی خود را با استفاده از این محصولات می‌سازند و گذران زندگی می‌کنند. قرآن کریم نیز به

این نعمت خدادادی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَنَنْتُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾^(۱) (نحل/ ۸۰)

منظور از صوف، پشم گوسفند؛ وبر، پشم شتر و شعر، پشم بز است. خداوند برای آرامش و سکونت انسان‌ها، از پوست دباغی‌شده حیوانات خانه‌هایی قرار داده است که سبک و قابل سکونت‌اند؛ از این رو می‌توان برای انتقال‌ها در روزهای کوچ و سفر از آن استفاده نمود. از پشم گوسفندان، شتران و بزها برای تهیهٔ اثاث منزل چون فرش، گلیم و ... و همچنین لباس‌هایی که انسان را در مقابل گرما و سرما محافظت می‌کند، استفاده می‌شود. گاه نیز این وسایل تهیه‌شده از پشم و پوست حیوانات در تجارت، به کار گرفته می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۳۱۳؛ شبر، ۱۴۱۲: ۱، ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۶، ۵۸۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰، ۲۵۳؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۲، ۶۲۵)

۲-۱-۲- استفاده از شیر حیوانات

از دیگر منافعی که خداوند برای انسان در حیوانات قرار داده است، شیری گوارا است که درباره آن می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّظْفِقُكُمْ مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾^(۲) (نحل/ ۶۶)

علاوه بر آیه یادشده، در آیه ۲۱ سوره مؤمنون نیز به این نعمت الهی اشاره شده است. شیر حیوانات شیرده که جایش در اواخر شکم، میان دویاست از لابلای خون و کثافات بدن خارج می‌شود، بدون اینکه بو، مزه و آلودگی‌های آن‌ها را به همراه داشته باشد. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۶، ۵۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۲۸۸) این مادهٔ مغذی و گوارا علاوه بر خاصیت غذایی، خاصیت دارویی نیز دارد که در کلام علی (علیه السلام) به آن اشاره شده است: «نوشیدن شیر، شفایی برای هر درد است؛ به جز مرگ.» (محمدمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۲، ۳۹۹، ۱۸۶۶)

۱. خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (وآرامش) قرار داد و از پوست چارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتان، به آسانی می‌توانید آن‌ها را جابه‌جا کنید و از پشم و کرک و موی آن‌ها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.
 ۲. در وجود چارپایان، برای شما (درس‌های) عبرتی است. از درون شکم آن‌ها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نشانیم.

۲-۱-۳- استفاده از گوشت حیوانات

یکی دیگر از کاربردهای مادی حیوانات در قرآن کریم، استفاده از گوشت آن‌هاست.

۲-۱-۳-۱- گوشت‌های مجاز برای مصرف

گوشت از جمله موادی است که انسان‌ها در طعام روزانه خود از آن استفاده می‌کنند و در صورت عدم استفاده، مضرات جبران‌ناپذیری برای بدن و سلامت فردی ایجاد می‌کند. در علم پزشکی فواید گوشت به اثبات رسیده است. خوردن گوشت به طور متوسط برای تقویت قلب و نبض، بالا بردن فشار خون، تحرک سلول‌های کبدی، تقویت کلیه، تحرک غدد ترشحی مفید است و منبع غنی پروتئین است و بدن به واسطه پروتئین می‌تواند قند و چربی تولید کند؛ در حالی که عکس قضیه صادق نیست. کمترین حد مصرف گوشت، حداقل هر چهل روز یکمرتبه است؛ زیرا اسید آمینه‌ای که در گوشت وجود دارد، مخصوص رشد و ترمیم است. لذا خوردن آن هر چند روز یکبار لازم است. (ر.ک: پاک‌نژاد، ۱۳۴۰: ۸) برای همین خداوند به مصرف گوشت حیوانات اهلی امر می‌کند: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾^(۱) (انعام/۱۱۹) این آیه کسانی را که بر خلاف حکم خرد از خوردن گوشت ذبیحه پرهیز می‌نمایند، توبیخ می‌کند. (طباطبایی: ۱۴۱۷: ۷، ۳۳۳) در داستان ابراهیم (علیه السلام) نیز به غذایی اشاره شده است که آن حضرت از گوشت گوساله برای میهمانان خود تهیه دیده بود: ﴿فَرَأَىٰ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجَلٍ سَمِينٍ﴾^(۲) (ذاریات/۲۶) از دیگر گوشت‌هایی که قرآن به عنوان غذا از آن یاد کرده است، غذایی لذیذ بود که هر روز بر بنی‌اسرائیل نازل می‌شد^(۳) و از گوشت بلدرچین که از گواراترین گوشت‌های پرندگان است، تهیه شده بود. همچنین در قرآن کریم به گوشت ماهی تازه نیز به عنوان خوراکی اشاره شده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَاكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا﴾^(۴) (نحل/۱۴) این مسئله نشان از اهمیت مصرف روزانه این ماده غذایی دارد. با تمام پیشرفتی که در تمدن مادی بشر به وجود آمده است، هنوز دریا یکی از مهم‌ترین منابع تغذیه انسان را تشکیل می‌دهد و همه‌ساله صدها هزار تن از گوشت تازه‌ای که دست لطف پروردگار برای انسان‌ها پرورش داده است، از دریا صید می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱، ۱۸۰) این غذا به حد فراوان در دریاها موجود است و بهترین و مناسب‌ترین غذاست.

۱. چرا از آن دامی که هنگام ذبحش نام خدا بر آن برده شده است، نمی‌خورید؟

۲. سپس پنهانی به سوی خانواده‌اش رفت و گوساله فربه (و بریان‌شده‌ای را برای آن‌ها) آورد.

۳. ﴿وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ﴾ (بقره/۵۷)؛ و بر شما «گزانگبین» و «بلدرچین» فرو فرستادیم.

۴. اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید.

۲-۱-۳-۲- گوشت‌های حرام و ممنوع

خوک از جمله حیواناتی است که خوردن گوشت آن به شدت در آیات قرآن تحریم شده است. یک فلسفه تحریم گوشت خوک این است که هنگام ذبح خون به قدر کافی از آن بیرون نمی‌رود و می‌دانیم که خون مرکز انواع میکروب‌هاست و با ذبح حیوان، پیش از هر چیز، خون عفونت پیدا می‌کند و به تعبیر دیگر این چنین گوشت‌ها یک نوع مسمومیت دارند و جزء گوشت‌های سالم محسوب نمی‌شوند. علاوه بر این، خوک در امور جنسی فوق‌العاده بی‌تفاوت و لاپابالی است و امروزه تأثیر غذا در روحیات از نظر علم تجربی امری اثبات شده است. حرمت گوشت خوک در شریعت حضرت موسی (علیه السلام) نیز اعلام شده و در اناجیل نیز، گناهکاران به خوک تشبیه شده و در ضمن داستان‌ها نیز خوک، مظهر شیطان معرفی شده است. گوشت این حیوان پلید دارای دو نوع انگل خطرناک به نام «کرم تریشین» و یک نوع «کرم کدو» است که موجب بیماری‌ها و امراض فراوانی است. علاوه بر آن، گوشت هر حیوانی حاوی صفات آن حیوان است و از طریق غده‌ها و تراوش آن‌ها (هورمون‌ها) در اخلاق کسانی که از آن تغذیه می‌کنند، اثر می‌گذارد و به این ترتیب خوردن گوشت خوک می‌تواند صفت بی‌بند و باری جنسی و بی‌اعتنایی به مسائل ناموسی را که از خصائص بارز این حیوان است، به خورنده آن، منتقل کند. به همین سبب خداوند متعال با نزول آیه ﴿حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ الْمَیِّتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنزِیرِ﴾^(۱) (مائده/۳) خوردن آن را حرام اعلام کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۵۹؛ ۱، ۵۸۶)

۲-۱-۴- استفاده برای باربری و سواری

از دیگر فواید غیرخوراکی حیوانات، استفاده از قدرت بدنی آن‌ها برای سواری و بارکشی است که در آیات ذیل بدان اشاره شده است:

﴿وَ الخَیْلَ وَ البِغَالَ وَ الْحَمِیرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زینَةً وَ یَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۲) (نحل/۸)

این کاربرد در آیه ۷۹ غافر نیز ذکر شده است. خداوند، اسبان، قاطرها و الاغ‌ها را آفرید تا انسان بر آن‌ها سوار شود و کارهای خود را انجام دهد و سختی و مشقت

۱. بر شما حرام شده است مردار، خون و گوشت خوک.

۲. همچنین اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن‌ها سوار شوید و زینت شما باشد و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید.

را از خود دور سازد. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۶، ۵۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹، ۱۷۸) قرآن، از چارپایانی که برای باربری استفاده می‌شوند با نام حمله تعبیر کرده است: ﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ﴾^(۱) (انعام/۱۴۲)؛ زیرا طاقت برداشتن حمل (بار) را دارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷، ۳۶۵) حتی امروزه که آن همه وسایل نقلیه سریع‌السیر هوایی و زمینی اختراع شده است، باز در برخی مواقع باید از چارپایان استفاده کرد؛ از این رو آن‌ها را رام نموده و برای استفاده در مقاصد شخصی و ... مانند استفاده‌های تفریحی، مسابقه‌ها و گاه کسب ابهت و مانند آن، در اختیار انسان قرار داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۱۸۸) و به راستی اگر چهارپایان نبودند، زندگی انسان دچار نقص و مشقت می‌شد.

۲-۱-۵- استفاده برای قربانی در حج

برخی مواقع از حیوانات برای ذبح کردن در مناسک حج یا به عنوان کفاره استفاده می‌شود. از جمله آن‌ها بدن یا همان شتر چاق است که در حج، ذبح می‌شود و از گوشت این قربانی مذبوح به تهیدستان نیز داده می‌شود.

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ﴾^(۲) (حج/۳۶)

اگر شخص محرم، از روی سهو و در حال احرام، حیوانی را بکشد، در این صورت موظف است حیوانی اهلی نظیر آنچه که کشته است یا معادل آن نظیر شتر، گاو یا گوسفند را ذبح کند؛ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۷، ۱۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴، ۳۷۵) چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ﴾^(۳) (مائده/۹۵)

۱. (او کسی است که) از چارپایان، برای شما حیوانات برابر و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید. از آنچه به شما روزی داده است، بخورید.
۲. و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آن‌ها برای شما خیر و برکت است. نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند، بر آن‌ها ببرید و هنگامی که پهلوهايشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آن‌ها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید. این‌گونه ما آن‌ها را مسخرتان ساختیم تا شکر خدا را به جا آورید.
۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال احرام، شکار نکنید و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد.

۲-۱-۶- استفاده به عنوان زینت زندگی

انسان همیشه طالب زیبایی بوده و هست و این موضوع را یکی از مسائل لاینفک زندگی خویش می‌داند. خالق هستی با آگاهی از این نیاز انسانی، حیوانات را یکی از نموده‌های این زیبایی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾^(۱)

(نحل/۶)

رفت و آمد حیوانات در بامدادان و شامگاهان به آستانه خانه‌ها جلوه خاصی می‌بخشد. آواز میش و بز و صدای پای چارپایان که به گوش می‌رسد، باعث لذت صاحبان آن‌ها می‌شود و چون دیگر مردمان این منظره را می‌بینند، در نظرشان جلوه می‌کند و باعث آبرو و کسب موقعیت صاحبانشان می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۲۱۱)

۲-۱-۷- استفاده برای شخم زدن و آبیاری زمین

از دیگر بهره‌برداری‌هایی که انسان از حیوانات می‌تواند انجام دهد، استفاده از چهارپایان برای شخم زدن زمین و آبکشی است؛ همان‌طور که وقتی خداوند به بنی اسرائیل دستور داد تا گاوی را برای افشای قاتل ذبح کنند، فرمود:

﴿إِنهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ﴾^(۲)

(بقره/۷۱)

این‌گونه خداوند سختی زندگی و امرار معاش را به واسطه نعمت بزرگی چون حیوانات بر انسان آسان نمود.

۲-۱-۸- استفاده‌های غذایی و دارویی

زنبور عسل از جمله حیواناتی است که به او وحی می‌شود و از این طریق به تولید فرآورده‌ای مفید و مؤثر به نام عسل می‌پردازد که درمان دردها و بیماری‌هاست. امروزه که زندگی زنبوران عسل به دقت مورد بررسی دانشمندان قرار گرفته، ثابت شده است که این حشره کوچک آن‌چنان تمدن و زندگی اجتماعی شگفت‌انگیزی دارد که از جهات زیادی بر تمدن انسان و زندگی اجتماعی او پیشی گرفته است. این حشرات با

۱. و در آن‌ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آن‌ها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید.

۲. از آن گاوهایی نباشد که زمین را شخم می‌زند و کشته را آب می‌دهد.

الهامی که از جانب خدا دریافت می‌کنند، از مادهٔ قندی مخصوصی که در گل‌ها قرار داده شده است، می‌کنند و آن را جمع‌آوری می‌کنند. این عمل اثر دیگری نیز دارد و آن جابه‌جایی گرده‌های نر گل‌ها و بارور ساختن گیاهان ماده و به دنبال آن پرورش یافتن میوه‌هاست که خود موجبات بقای گل‌ها و گیاهان و میوه‌ها را فراهم می‌آورد که به نوبهٔ خود این تأثیرات از تولید عسل نیز مهم‌تر است. زنبور عسل به طرز ماهرانه عمل می‌کند که خواص درمانی و دارویی گیاهان کاملاً به عسل منتقل شده و محفوظ می‌ماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱، ۲۹۷) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «خداوند برکت را در عسل قرار داده است، درمان دردها در آن است و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۲، ۳۹۹، ۱۸۶۶)

۲-۲- بهره‌وری‌های معنوی

دسته دوم از بهره‌برداری‌های انسان از حیوانات، بهره‌برداری‌های معنوی است که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

۲-۲-۱- جلب رضایت خدا و تکبیر مقام او

خداوند متعال ذبح حیوانات در مناسک حج را با پرهیزکاری و اخلاص و پاکی نیت، موجب جلب رضایت الهی می‌داند؛ به طوری که باعث شناخت عظمت خدا و مایهٔ هدایت انسان می‌شود؛ زیرا شخص محرم با این قربانی به یاد کبریایی خدا افتاده و او را در برابر اینکه به چنین عبادتی هدایت کرده است که هم رضای او را به دنبال دارد و هم ثواب، تکبیر می‌گوید، سپاس می‌گزارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴، ۳۶۶)

۲-۲-۲- اثبات امکان و حتمیت معاد

در آیهٔ ۶۶ سورهٔ نحل، اشاره به شیر گوارا در حیوانات، به وجود خداوند و امکان حشر و نشر موجودات دلالت دارد؛ زیرا علفی که حیوان می‌خورد، از زمین و آب به وجود آمده است و این نشان از تدبیر خداوندی است که خاک را به گیاه تبدیل می‌کند و هنگامی که حیوان آن علف را می‌خورد، در بدنش به خون تبدیل می‌شود و آن خون به شیر تغییر شکل پیدا می‌کند. از شیر حاصل‌شده، روغن و پنیر تولید می‌شود. این موضوع دلالت می‌کند که پروردگار قادر است مواد را از حالتی به حالت دیگر و از صفتی به

صفت دیگر تبدیل کند. پس به راحتی می‌تواند اجزای بدن مردگان را، درست مانند قبل، به حیات و شعور دوباره تبدیل کند. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰، ۲۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۲۸۹) این همان قدرت و اراده خداوندی است و این وجه دلالتی بر بعثت و قیامت است.

از دیگر نشانه‌هایی که بر امکان معاد دلالت دارد، داستان عزیز پیامبر است. در این داستان خدا به حضرت عزیز فرمود:

﴿وَأَنْظِرْ إِلَىٰ جِمَارِكَ وَ لِنَجْمِكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ وَ أَنْظِرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا﴾^(۱) (بقره/۲۵۹)

این استخوان‌ها بهترین دلیل بر مدت طولانی خواب عزیز بود؛ زیرا الاغ او مرده و استخوان شده بود و از حضرت اعتراف گرفت که صد سال مردن با یک روز یا چند ساعت مردن و سپس زنده شدن فرقی ندارد؛ همچنان که در روز قیامت از اهل محشر نظیر این اعتراف را می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که کم و زیاد بودن فاصله زمانی میان امات و احیاء برای خدا تفاوت نمی‌کند و در قدرت او که حاکم بر همه چیز است، اثری نمی‌گذارد؛ چون قدرت او مادی و زمانی نیست تا وضعیتش به خاطر عارض شدن عوارض، دگرگون و کم و زیاد شود؛ مثلاً زنده کردن مرده‌های دیروز برایش آسان و زنده کردن مرده‌های سال‌ها پیش برایش دشوار باشد، بلکه در برابر قدرت او دور و نزدیکه یکسان و مساوی است و این داستان از بزرگ‌ترین نشانه‌های معاد و رستاخیز است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲، ۳۶۰)

۳-۲-۳- خدانشناسی

خداوند متعال منکران ربوبیت را به دقت در کیفیت خلقت شتر دعوت می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ الْأَبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾^(۲) (غاشیه/۱۷) اینکه چگونه خداوند آن را از زمینی مرده و فاقد شعور به این صورت عجیب درآورده است؛ صورتی که نه تنها خودش عجیب است، بلکه اعضا، قوا و افعالش نیز عجیب است و این هیکل درشت را مسخر انسان‌ها کرده و انسان‌ها از سواری، بارکشی، گوشت، شیر، پوست و کرکش و حتی از بول و پشگلش استفاده می‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰، ۲۷۴) و اینکه این حیوان بار سنگین را تحمل می‌کند و تاب گرسنگی و تشنگی را دارد و

۱. به الاغ خود بنگر که بعد از صدسال، استخوان‌هایش پوسیده و پیش رویت ریخته است.

۲. آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟

به کمترین مقدار علوفه قناعت می‌ورزد. (شَبْر ۱۴۱۲: ۱، ۵۵۶) حیوانی که هرکسی می‌تواند با گرفتن مهار و افسارش او را مطیع خود سازد و بخواباند تا بارهای خود را بر پشتش نهد و آنگاه آن را حرکت دهد و به شهرهای دور ببرد. حیوانی که اگر آب پیدا نکند، تا ده روز و حتی بیشتر مقاومت می‌کند؛ زیرا خداوند آن‌ها را کشتی‌های خشکی قرار داده است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۰، ۷۲۸) آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد و در خلقت او برای انسان هیچ غرضی در کار نبوده و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آن و سایر نعمت‌ها نداشته باشد؟ آری خلقت شتر بر وجود آفریدگاری حکیم دلالت می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰، ۲۷۴)

یکی دیگر از نشانه‌های خدا، حیوانات کوچکی هستند که خدا آن‌ها را خلق کرده است؛ قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾^(۱) (بقره/ ۲۶)

این حیوانات کوچک نمودی از قدرت بی‌کران الهی هستند به طوری که هیچ کسی را یارای به وجود آوردن موجودی به این کوچکی نیست، چه رسد به موجودات بزرگ‌تر. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «علت آنکه خداوند پشه را ضرب‌المثل قرار داد آن است که پشه با همه کوچکی بدنش، آنچه را فیل با جثه بزرگش دارد، داراست و حتی دو عضو از فیل بیشتر دارد.» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱، ۱۶۵)

یکی دیگر از نشانه‌های قدرت الهی مگس است. خداوند خطاب به کافران می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْأَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ﴾^(۲) (حج/ ۷۳)

۱. خداوند از این که (به موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی کمتر از آن مثال بزند، شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن حقیقتی است از طرف پروردگارشان و اما آن‌ها که راه کفر را پیموده‌اند (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟! (آری، خدا جمع زیادی را با آن گمراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند، ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد.

۲. کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند و اگر آن مگس چیزی از آنان برآید نمی‌توانند آن را بازپس گیرند طالب و مطلوب هر دو ناتوانند

کسانی را که شما غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند هر چند برای این کار اجتماع کرده و دست‌به‌دست یکدیگر بدهند. بنابراین چگونه می‌خواهید این‌ها را هم‌ردیف پروردگار بزرگی قرار دهید که آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین و هزاران هزار نوع موجود زنده است. آن‌ها نه تنها قادر نیستند مگسی بیافرینند، بلکه از مقابله با یک مگس نیز عاجزند؛ زیرا اگر مگس چیزی از آن‌ها برآید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند. موجودی به این ضعیفی و ناتوانی که حتی در مبارزه با یک مگس شکست می‌خورد، چه جای این دارد که حاکم بر سرنوشت مردم و حلال مشکلات باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۱۷۲)

قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان (علیه السلام) آنجا که رهبر مورچگان به آن‌ها فرمان فرار می‌دهد و می‌گوید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^(۱) (نمل / ۱۸) شبیه بودن جامعهٔ مورچگان به جامعهٔ انسانی را نشان می‌دهد. در زندگی مورچگان، مدیریت و فرماندهی وجود دارد. آن‌ها باشعور و خودآگاهانه، منطقه‌ای را برای زندگی انتخاب می‌کنند و همچون انسان‌ها در میانشان گفتگو و امر و نهی وجود دارد. حتی فرماندهی و اطلاع‌رسانی نیز دارند. آن‌ها مانند انسان‌ها مفاسد و ضررها را می‌شناسند و به یکدیگر هشدار می‌دهند. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸، ۴۰۴) این آفرینش بسیار دقیق و پیچیده نشان از قدرت بیکران الهی و عاملی برای پی بردن به ذات اقدس اوست.

۲-۲-۳- عامل آزمایش مردم و تصدیق نبوت پیامبران

یکی دیگر از کاربردهای معنوی حیوانات در قرآن، استفاده از آن‌ها برای آزمایش مردم و به عنوان دلیلی برای نبوت بعضی از پیامبران است. ناقه، ماده شتری است که خدا آن را به عنوان معجزهٔ حضرت صالح (علیه السلام) از درون کوه بیرون آورد: ﴿هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ﴾^(۲) (اعراف / ۷۳) و از این جهت به آن شتر خدا گفته می‌شد که بدون واسطه آفریده شده بود و دلیلی بر توحید و نبوت قرار گرفت. نشانه‌ای آشکار که گواه بر درستی رسالت پیامبر بود. از این رو ایمان به خدا را بر مردم واجب می‌کرد. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴، ۶۸۰) این‌گونه مردم بر این آیت بزرگ الهی آزمایش شدند و هنگامی که شتر را پی کردند، مستوجب عذاب الهی شدند.

۱. تا آن‌گاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبدا سلیمان و سپاهانش - ندیده و ندانسته - شمارا پایمال کنند.
۲. این ماده شتر خدا برای شماس که پدیده‌ای شگرف است.

بنی اسرائیل نیز به وسیله نهی از صید ماهی در روز شنبه آزمایش شدند، اما آن‌ها با دستور الهی مخالفت نمودند و صید ماهی را بر اجرای حکم الهی ترجیح دادند:

﴿وَسَلَّمَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَغْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حَيْثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^(۱) (اعراف/۱۶۳)

درآمد و قسمت مهمی از تغذیه مردم در آن زمان از طریق صید ماهی بود و گویا به خاطر تعطیلی مستمری که قبلاً در میان آن‌ها معمول بود، ماهیان در آن روز احساس امنیت می‌کردند و دسته‌دسته روی آب ظاهر می‌شدند، اما در روزهای دیگر که صیادان در تعقیب آن‌ها بودند، در اعماق آب فرو می‌رفتند. این موضوع خواه جنبه طبیعی داشته باشد یا یک جنبه فوق‌العاده و الهی، وسیله‌ای برای امتحان و آزمایش این جمعیت بود. آزمایش آن‌ها به چیزی بود که آن‌ها را به سوی خود جلب و به نافرمانی خدا دعوت می‌کرد. همهٔ آزمایش‌ها همین‌گونه است؛ زیرا آزمایش باید میزان مقاومت افراد را در برابر کشش گناهان مشخص کند و اگر گناه‌کششی به‌سوی خود نداشت، آزمایش مفهومی نداشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶، ۴۱۸)

از دیگر حیواناتی که در قرآن از آن نام برده شده و موجب تصدیق نبوت حضرت موسی (علیه السلام) بود، مار بسیار بزرگی است که از آن به اژدها تعبیر شده است: ﴿الْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾^(۲) (اعراف/۱۰۷) این مار بسیار بزرگ که فرعونیان آن را سحر می‌دانستند، سایر طناب‌های ساحران را بلعید. این عمل او موجب شد تا عده‌ای از ساحران، به نبوت موسی (علیه السلام) ایمان بیاورند.

۲-۴- عامل آزمایش پیامبران

یکی از داستان‌های قرآنی داستان دو مرد است که صاحب صد میش بوده و اختلافی میانشان پدید آمد. آن دو برای قضاوت نزد داود نبی (علیه السلام) رفتند:

﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِى نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾^(۳) (ص/۲۳)

۱. و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود، از ایشان جویا شو، آنگاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می‌کردند. آنگاه که روز شنبه، ماهی‌هایشان روی آب می‌آمدند و روزهای غیرشنبه به‌سوی آنان نمی‌آمدند. این‌گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می‌کردند، می‌آزمودیم.

۲. پس [موسی] عصایش را افکند و به ناگاه اژدهایی آشکار شد.

۳. این برادر من است و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم، اما او اصرار می‌کند که این یکی را هم به

در این داستان میش‌ها وسیلهٔ آزمایش داود نبی شدند. در ابتدا داود نبی میانشان به قضاوت برخاست و حکمی را صادر نمود که با حکم الهی سازگار نبود، اما بعد از آگاه شدن از این موضوع که آن‌ها فرستاده‌شده از سوی خدا بودند تا او را در طریق قضاوت بیازمایند، به درگاه خداوند توبه نمود. نکتهٔ حائز اهمیت این است که خداوند برای آزمودن انسان‌ها از هر وسیله‌ای حتی از حیوانات نیز استفاده می‌نماید و نه تنها انسان‌های عادی، بلکه پیامبران نیز در معرض امتحان الهی قرار می‌گیرند.

۲-۵- استفاده در ضرب‌المثل‌های قرآنی

از جمله موارد استفاده از حیوانات در قرآن کریم در ضرب‌المثل‌هاست. فلسفه و حکمت مثل‌ها از نگاه وحی گاه تذکر و یادآوری است: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾^(۱) (حشر/۲۱) گاه نیز مقصود از آن زمینه‌سازی برای هدایت یا ضلالت است: ﴿فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا﴾^(۲) (بقره/۲۶) در همه این موارد، مثل‌ها منجر به آشکار ساختن ماهیت درونی و پنهانی بندگان خدا می‌شود. (رضوی، ۱۳۸۳: ۲۳) یکی از این ضرب‌المثل‌ها در آیهٔ ۴۰ سورهٔ اعراف بیان شده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَتَّخِذُهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾^(۳) در این آیه ورود مکذبان مشروط به عبور شتر با آن حجم و عظمت و جثه از سوراخ سوزن شده است و چون این مسئله امکان ندارد، پس ورود مکذبان به بهشت نیز ممکن نیست. مثال دیگر آیه زیر است که می‌فرماید:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾^(۴) (جمعه/۵)

خداوند در این آیه یهودیان را که تورات بر آن‌ها نازل شد، ولی آن‌ها رهايش کردند، به الاغی تشبیه کرده است که کتاب‌هایی بر آن بار شده، ولی خود آن حیوان هیچ آگاهی از معارف

من واگذار و در سخن بر من غلبه کرده است.

۱. این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشند.
۲. منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟! (آری)، خدا جمع زیادی را با آن گمراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند.
۳. درهای آسمان بر روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده‌اند و از آن‌ها سر برتافته‌اند، گشوده نخواهد شد و به بهشت در نخواهند آمد تا آن‌گاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد.
۴. مثل کسانی که تورات به آن‌ها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند، مثل آن خر است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند.

و حقایق آن کتاب‌ها ندارد و در نتیجه از حمل آن کتاب‌ها چیزی جز خستگی برایش نمی‌ماند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۲۶۶) از آنجایی که الاغ در حماقت و نادانی ضرب‌المثل است، در این آیه به آن مثال زده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴، ۱۱۵؛ رضوی، ۱۳۸۳: ۶۸) این گویاترین مثالی است که می‌توان برای عالم بی‌عمل بیان کرد که سنگینی مسئولیت علم را بر دوش دارد، بی‌آنکه از برکات آن بهره‌گیرد و افرادی که با الفاظ قرآن سر و کار دارند، ولی از محتوا و برنامه عملی آن بی‌خبرند، نیز مشمول همین آیه‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴، ۱۱۵)

تشبیه ناخوش‌ترین صداها به صدای الاغ از دیگر ضرب‌المثل‌هاست: ﴿وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾^(۱) (لقمان/۱۹) در این آیه افراد نادانی که به هنگام سخن گفتن صدای خود را بلند می‌کنند و موجب نفرت مردم و شاهد ردالت گوینده در انظار شنوندگان می‌شوند، به صدای خر تشبیه شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۲، ۴۷۷)

مثال دیگر تشبیه دنیاپرستان و مکذبان به سگ است: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوْنَهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَرَكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۲) (اعراف/۱۷۶) واژه «لهث» به معنای زبان درآوردن سگ یا پرندگان و حتی انسان به خاطر گرما یا عطش شدید است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۷۴۸) و اسم فاعل آن «لاهث» به معنای سگی است که بدون علتی زبانش را پیوسته دریاورد و له‌له کند. این شدیدترین کلامی است که در خصوص برخی از اهل علم در قرآن آمده است. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۵، ۴۰۵) اینان بر اثر شدت هواپرستی، حالت عطش پایان‌ناپذیری به خود گرفته‌اند و همواره به دنبال دنیاپرستی می‌روند؛ نه به خاطر نیاز، بلکه به شکل بیمارگونه‌ای همچون سگ هاری که بر اثر بیماری هاری حالت عطش کاذب به او دست می‌دهد و هیچ‌گاه سیراب نمی‌شود؛ زیرا انسان حریص هر چه داشته باشد، باز هم زبان طمعش بیرون است؛ چون دنیاپرستی، نهایت ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷، ۱۴)

۲-۲-۶- سوگندهای قرآنی

یکی از اسلوب‌های بلاغی که در قرآن به طور فراوان دیده می‌شود، اسلوب سوگند

۱. از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

۲. و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم، اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی، زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی [بازهم] زبان از کام برآورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند.

است. خداوند متعال با سوگند به موارد گوناگون به عظمت و بزرگی مواردی که به آن قسم خورده شده است، اشاره می‌نماید. یکی از این سوگندها سوگند به حیوانات است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾^(۱) (عادیات/۱)

در این آیه به اسبانی که در راه خدا برای جنگ می‌دوند و مجاهدان را یاری می‌کنند و صبح و شب به طور ناگهانی بر دشمن شبیخون می‌زنند، سوگند یاد شده است که نشان از اهمیت این مخلوقات دارد.

۲-۲-۷- تشبیهات قرآنی

در دو آیه از قرآن کریم کفار و پیروان هوی و هوس به چارپایان تشبیه شده‌اند. اگر انسان از استعداد و امکانات خود به جای حُسن استفاده، سوءاستفاده کند و آن‌ها را به تعطیلی و بطالت بکشانند، مبدل به همان حیوان بی‌فهم و شعوری خواهد شد که از درک حقایق عاجز است و حتی از درجه حیوانیت نیز تنزل پیدا می‌کند و بدتر از آن می‌شود. (رضوی، ۱۳۸۳: ۶۴) گروه اول پیروان هوای نفس می‌باشند که خدا دربارهٔ آنان می‌فرماید:

﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾^(۲) (فرقان / ۴۴)

زیرا اگر چارپایان مطلبی را می‌شنوند و تعقل نمی‌کنند، از این رو است که تمکن بر معرفت ندارند، اما این افراد با وجود قدرت درک و فهم، تعقل نمی‌کنند و به ضرر خویش اقدام می‌نمایند؛ در حالی که چارپایان هرگز به ضرر خود اقدام نمی‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵، ۱۰۹)

گروه دوم کافران هستند:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾^(۳) (محمد/۱۲)

کفار به لحاظ اینکه عنایتی برای رسیدن به حق ندارند و در دل‌هایشان هیچ اعتنایی به وظایف انسانیت نیست، بلکه تمام همشان شکم و شهوتشان است و سرگرم

۱. سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس‌زنان به پیش می‌رفتند.

۲. آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چارپایانند، بلکه گمراه‌ترند.

۳. کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند و همچون چارپایان می‌خورند و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آن‌هاست.

بهره‌گیری از دنیای کوتاه‌مدت‌اند و از عبرت‌ها روی‌گردان شده و غیر از لذات دنیا هدفی ندارند، به چارپایان تشبیه شده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸، ۲۳۱)

مثل کسانی که به غیر از خدا اولیاء می‌گیرند، به مانند عنکبوت است که برای خود خانه می‌گیرد:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^(۱)
(عنکبوت/۴۱)

خانهٔ عنکبوت سست‌ترین خانه‌هاست؛ چون هیچ‌یک از آثار خانه به جز اسم بر آن صادق نیست. خانه را برای این می‌سازند که صاحبش را از سرما و گرما حفظ کند و چیزی که این خواص را ندارد و صاحبش را از هیچ مکروهی حفظ نمی‌کند، خانه نیست. اولیایی هم که مشرکان برای خود گرفته‌اند، تنها ولایت اسمی دارند؛ برای اینکه نه نفعی می‌رسانند و نه ضرری، نه مالک مرگی هستند و نه نشوی. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸، ۵۵)

یکی از تشبیهات قرآن تشبیه کافران به گورخرهای فراری از شیر است: ﴿كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾^(۲) (مدثر/۵۰-۵۱) گورخر وحشت عجیبی از شیر دارد و حتی با شنیدن صدای شیر چنان وحشتی بر او مستولی می‌شود که دیوانه‌وار به هر سو می‌دود. این آیه تعبیری است گویا از وحشت و فرار مشرکان از آیات روح‌پرور قرآن که آن‌ها را به گورخر تشبیه کرده که هم فاقد عقل و شعور است و هم به علت وحشی بودن، از همه چیز گریزان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵، ۲۶۳)

۲-۲-۸- توصیف احوال قیامت

یکی از هولناک‌ترین مراحل زندگی انسان ورود او به عرصهٔ قیامت و حسابرسی اعمال است؛ زیرا در آن زمان هر فردی به‌تنهایی باید پاسخگوی اعمال و رفتاری باشد که در دنیا مرتکب شده است. احوال قیامت با توصیفات مختلفی در قرآن وصف شده است: ﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ۖ كَأَنَّهُ جِمَالَاتٌ صُفْرٌ﴾^(۳) (مرسلات/۳۳ و ۳۲) شراره‌های آتش جهنم به اندازه تنهٔ درختان بزرگ است و رنگ آن به مانند شتران زردرنگ می‌ماند که

۱. داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت - اگر می‌دانستند - سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.

۲. به خزان رمنده‌ای مانند که از پیش شیری گریزان شده‌اند.

۳. شراره‌هایی از خود پرتاب می‌کند مانند یک کاخ! گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زردرنگی هستند (که به هر سو پراکنده می‌شوند).

به سیاهی می‌زند. در روایتی آمده است که سیاه‌تر از شتر نمی‌بینی؛ مگر اینکه مایل به زرد باشد و از این رو عرب شترهای سیاه را صفراء نامیده است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۰، ۶۳۴) لذا خداوند شراره‌های آتش را از نظر کثرت، رنگ و سرعت حرکت به گروهی از شتران زردرنگ تشبیه کرده که به هر سو روان‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵، ۴۱۹) از دیگر اتفاقاتی که در قیامت روی می‌دهد این است که انسان تمامی اموال و حتی بستگان و خانواده خویش را از هول آن روز رها می‌کند که یکی از این اموال، ماده شتر حامله‌ای است که ده ماه از حملش گذشته باشد که در اصطلاح به او «عشار» گویند: ﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾^(۱) (تکویر/۴) گویا این جمله کنایه‌ای است بر این مطلب که همین اموال نفیسی که مردم در دنیا بر سر آن پنجه به روی هم می‌کشند، آن روز بی‌صاحب می‌ماند. مردم در آن روز آن قدر به خود مشغول‌اند که از هیچ چیز یاد نمی‌کنند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴، ۷۰۷). دیگر از تشبیهات قیامت، تشبیه فرار مردم به ملخ‌های پراکنده است: ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾^(۲) (قارعه/۴) فراش (ملخ یا پروانه) وقتی جست‌وخیز می‌کند، نقطه معلومی را در نظر نمی‌گیرد و مانند مرغان به نقطه معینی نمی‌پرد، بلکه بدون جهت پرواز می‌کند. مردم نیز در روز قیامت چنین حالتی دارند. وقتی از قبورشان سر برمی‌آورند، آن‌چنان ترس و فزع از همه جهات احاطه‌شان می‌کند که بی‌اختیار به راه می‌افتند و سرگردان می‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۰، ۸۰۹) این تشبیه به زنده شدن و خروج مردم از قبرها بازمی‌گردد؛ زیرا ملخ به هنگام تخم‌گذاری سردم خود را در زیرخاک فرو می‌کند و در آنجا تخم می‌گذارد. پس از چندی تخم‌ها مبدل به کرم می‌شوند و پس از تغییر شکل به پروانه و بعد به ملخ تبدیل می‌شوند. ذرات بدن انسان‌ها نیز همچون تخم‌های ملخ به انسان‌های صاحب روح مبدل شده و زمین را در بر خواهد گرفت (قرشی، ۱۳۷۱: ۲، ۲۶)

۲-۲-۹- استفاده از حیوانات به عنوان مأموران الهی

گاهی حیوانات مأموران الهی می‌شوند تا نشان‌دهنده عظمت و بزرگی خالق خود شوند: سگ اصحاب کهف دو دست خود را بر غار گسترده و همچون دربان و نگهبان اطاعت‌کننده بود: ﴿وَ كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ﴾^(۳) (کهف/۱۸) این سگ مأموری

۱. و در آن هنگام که باارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود.

۲. روزی که مردم چون پروانه‌های [پراکنده] گردند.

۳. و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود]

الهی برای محافظت از یاران غار بود.

قابیل نیز پس از کشتن هابیل خواست که جسد او را پنهان کند تا پدر و مادر و برادرانش به جرم او آگاه نشوند. بنابراین، در حیرت فرو رفت و مدت زمانی در این حالت سرگردانی به سر برد. ناگهان دو کلاغ با یکدیگر زد و خورد نمودند و یکی کشته شد و آن دیگری زمین را کند و جسد کلاغ مرده را در خاک پنهان کرد. قابیل این صحنه را مشاهده نمود و آموخت که جسد برادرش را در خاک پنهان کند؛ زیرا تا آن هنگام قابیل ندیده بود که چگونه میت را می‌توان دفن کرد: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِئِ سَوْءَةَ أَخِيهِ﴾^(۱) (مائده/۳۱) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵، ۳۰۶) جای تعجب نیست که انسان مطلبی را از پرنده‌ای بیاموزد؛ زیرا تاریخ و تجربه، هر دو نشان می‌دهد که بسیاری از حیوانات دارای یک سلسله معلومات غریزی هستند که بشر در طول تاریخ، خود آن‌ها را از آنان آموخته و دانش خود را با آن تکمیل کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۳۵۲) در این داستان نیز خداوند به طریق مجاز، کلاغ را برای آموزش قابیل فرستاد تا چگونه دفن کردن برادرش را به او بیاموزد. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۱، ۳۴۱)

در داستان حضرت سلیمان (علیه السلام) و ملکه سبأ نیز، هنگامی که پیامبر خدا نامه‌ای به بلقیس نوشت، به هدهد داد و از او خواست تا نامه را به سوی او و مردمش ببرد: ﴿أَذْهَبَ بَكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾^(۲) (نمل/۲۸) در این داستان، هدهد مأموریت رساندن نامه را عهده‌دار بود.

در سوره فیل نیز سپاه ابرهه توسط ابابیل، سنگ‌باران و هلاک شدند: ﴿وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾^(۳) (فیل/۳) ابابیل به معنای گروه پرندگان است. مشهور این است که آن‌ها پرندگانی شبیه به پرستو و چلچله بودند که از دریای احمر برخاستند و به سراغ لشکر فیل آمدند. این پرندگان، آن لشکر را با سنگ‌های کوچکی از سجیل (گل‌های متحجر) هدف قرار می‌دادند. این پرندگان سه سنگریزه به اندازه نخود یا کوچک‌تر با خود داشتند که یکی را با منقار و دو تا را با پاهای خویش حمل می‌کردند و این سنگ‌های کوچک بر هر کس فرود می‌آمد، او را متلاشی می‌ساخت. چنان که در آیه بعد می‌فرماید: «آن‌ها را مانند کاه خورده‌شده قرار داد.» این داستان نشان می‌دهد

۱. سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند.

۲. این نامه مرا ببر و به سوی آن‌ها بیفکن. آنگاه از ایشان روی برتاب پس بین چه پاسخ می‌دهند.

۳. بر سر آنها دسته‌دسته پرندگانی ابابیل فرستاد.

که گاهی مأموران الهی، موجودات کوچکی هستند که انجام مأموریت‌های بزرگ الهی را بر عهده دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷، ۳۳۶)

هنگامی که حضرت یونس (علیه السلام) از میان قوم خود بیرون آمد و از آنان اعراض نمود، هرچند که در این عمل خدا را نافرمانی نکرد و قبلاً هم خدا، او را از چنین کاری نهی نکرده بود، اما این عمل شباهتی تام به فرار یک خدمتگزار از خدمت مولی داشت و به همین جهت، خدای تعالی او را به کیفر این عمل گرفت. هنگامی که سوار بر کشتی شد، نهنگی بر سر راه کشتی درآمد و کشتی را متلاطم کرد؛ چون کشتی سنگین بود، خطر غرق، همه را تهدید کرد. پس آن‌ها ناگزیر شدند از کسانی که در کشتی بودند، شخصی را در آب بیندازند تا نهنگ او را ببلعد و از سر راه کشتی کنار رود. قرعه انداخته شد و به نام یونس (علیه السلام) درآمد. به ناچار او را به دهان نهنگ سپردند و نهنگ آن جناب را بلعید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷، ۱۶۳) قرآن می‌فرماید: ﴿فَالْتَقَمَهُ الْخُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ﴾^(۱) (صافات/۱۴۲) خداوند به این حیوان عظیم فرمان تکوینی داد که کمترین آزاری به بنده‌اش نرساند؛ زیرا او باید یک دوران زندان بی‌سابقه را طی کند و متوجه ترک اولای خود شود و در مقام جبران برآید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹، ۱۵۶)

در ماجرای مرگ سلیمان (علیه السلام) نیز حیوانات به عنوان مأموران الهی حضور دارند. سلیمان در حال ایستاده بر عصای خود تکیه زده بود که ناگهان مرگش فرا رسید و روح از بدنش پرواز کرد. او در همان حال ماند تا اینکه موربانه‌ای که قرآن از آن به «دابة الارض» تعبیر کرده است، به اذن الهی عصای او را خورد و سلیمان بر زمین افتاد: ﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾^(۲) (سبأ/۱۴)

قرآن کریم از ملخ، شپش و قورباغه به عنوان مأموران عذاب در روی زمین نام می‌برد: ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ ء آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ﴾^(۳) (اعراف/۱۳۳) ملخ‌ها آن چنان به جان درختان و زراعت‌ها افتادند که همه را از شاخ و برگ خالی کردند. حتی بدن بنی‌اسرائیل را نیز آزار می‌دادند به طوری که داد و فریاد آن‌ها بلند شده بود. شپش‌ها آفات نباتی بودند که موجب فساد غلات شدند. قورباغه‌های بزرگ و کوچک حتی در خانه‌ها و اتاق‌ها

۱. [او را به دریا افکندند] و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود.

۲. پس چون مرگ را بر او مقرر داشتیم جز جنبنده‌ای خاکی [=موربانه] که عصای او را [به تدریج] می‌خورد [آدمیان را] از مرگ او آگاه نگردانید

۳. سبیس (بلاها را پشت سر هم بر آن‌ها نازل کردیم): طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را - که نشانه‌هایی از هم جدا بودند - بر آن‌ها فرستادیم (ولی باز بیدار نشدند و) تکبر ورزیدند و جمعیت گناهکاری بودند.

و سفره‌ها و ظروف غذا مزاحم آنان بودند؛ آن چنان که دنیا بر آنان تنگ شد. این بلاها در فواصل مختلف و جدا از یکدیگر صورت گرفت تا مهلت کافی برای تفکر و تنبه و بیداری داشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶، ۳۲۱)

۲-۱۰- استفاده از حیوانات در داستان‌های قرآنی

نام برخی از حیوانات فقط در داستان‌های قرآنی آمده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نام گرگ و فیل اشاره نمود. در داستان حضرت یوسف (علیه السلام)، حضرت یعقوب (علیه السلام) دلیل مخالفت خود با بردن یوسف به صحرا را، نگرانی از حمله گرگ‌ها بیان می‌کند و به پسران خویش می‌گوید: ﴿قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾^(۱) (یوسف/۱۳) در سال ولادت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز، سپاه ابرهه با هدف تخریب خانه خدا به مکه حمله کرد که در طول مسیر توسط پرندگان ابابیل، به هلاکت رسیدند. از آنجایی که سربازان این سپاه، همه فیل سوار بودند، به اصحاب فیل مشهور گشتند.

نتیجه‌گیری

در اسلام، حیوانات همچون انسان از حق زندگی برخوردارند. لذا خداوند اصل خلقت آن‌ها را بر مبنای تأمین اهداف انسانی قرار داده و سپس آن‌ها را مسخر انسان نموده و حق استفاده از منافعی را که در حیوانات وجود دارد، به او واگذار کرده است. در آیات قرآن، بهره‌وری از حیوانات به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود. بهره‌وری مادی مانند استفاده از گوشت، شیر، پشم، سواری، بارکشی، زینت زندگی، شخم زدن و آبیاری زمین و استفاده غذایی و دارویی است و بهره‌وری‌های معنوی مانند نشانه خداشناسی، دلیل اثبات امکان و حتمیت معاد، استفاده در سوگندها، تشبیهات و ضرب‌المثل‌های قرآنی، استفاده به عنوان عامل آزمایش انبیاء و مردم و استفاده به عنوان مأموران الهی و ... را در برمی‌گیرد. این مخلوقات نقش بسیار مهمی، نه تنها در زندگی مادی انسان‌ها، بلکه در زندگی معنوی آن‌ها و طی طریق سعادت دارند و انسان‌ها باید از این نعمات الهی نهایت استفاده را ببرند تا بتوانند مسیر تکامل را طی کنند و همیشه به خاطر داشته باشند که استفاده از این حیوانات دارای حد و اندازه‌ای است و باید حدود بهره‌وری از این حیوانات را طبق اصول اسلامی رعایت کنند.

۱. گفت اینکه او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ۲- ابن مرتضی، احمد بن یحیی، بی تا، شرح الأزهار، صنعاء: مکتبه غمضان.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۰۵: لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
- ۴- پاک‌نژاد، سیدرضا، ۱۳۴۰: اولین دانشگاه آخرین پیامبر، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ۵- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴: تفسیر انوار درخشان، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۶- رضوی، سیدمحمد، ۱۳۸۳: فرهنگ امثال القرآن و معادل های آن در زبان فارسی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۷- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۸- سجستانی الازدی، ابوداود، بی تا: سنن ابی داود، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۹- شبر، سیدعبدالله، ۱۴۱۲: تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغه للطباعة و النشر.
- ۱۰- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷: المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- ۱۲- _____، ۱۳۷۷: جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تصحیح: سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی.
- ۱۴- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷: وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح: محمد الرازی، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۵- فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰: مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۶- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹: من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- ۱۷- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳: تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۱۸- قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۱: قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۱۹- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴: الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- ۲۰- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا: زبدة البیان فی احکام القرآن، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: المکتبه المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- ۲۱- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰: تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴: تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۳- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۳: دانش‌نامه احادیث پزشکی، ترجمه: دکتر حسین صابری، قم: دارالحديث.
- ۲۴- نظری توکلی، سعید، ۱۳۸۸: حیوانات، قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و سمت.